



نسخ ذکر می‌نماید و در این میان از نام بردن افراد هم ابایی ندارد. او همچنین به تلاش مستشرقان در زمینه تصحیح نسخه‌های خطی عربی اشاره می‌کند و برخی اشتباهات آنان را در فهم زبان عربی و تصحیف متذکر می‌گردد. نویسنده هشدار می‌دهد که پژوهشگران نسخه‌های خطی نبایستی صرفاً به شهرت مستشرقان اعتماد ورزند، زیرا آنان نیز اشتباهات فاحشی را مرتکب شده‌اند.<sup>۱</sup>

وی سپس به تحقیق در نسخه‌های منحصر به فرد و چگونگی پرداختن به مسوده‌ها و مبیضه‌ها اشاره می‌کند و راه‌حل‌های عمل‌گرایانه‌ای ارائه می‌دهد. همچنین به هر یک از مباحث مربوط به تصحیح نسخه‌های خطی نظیر مشکلات فهرست‌نویسی، تعدد نسخ، افتادگی پیش و پس صفحات، نوع خط و شناسایی آن اشاره می‌کند و مواردی را که خود با آنها برخورد داشته برمی‌شمارد. به‌گمان نویسنده فهرست‌نویس نسخه‌های خطی بیشتر از پژوهشگر و مصحح عذاب می‌کشد و با مشکلات بیشتری دست به‌گریبان است. او همچنین به فهرست‌نویسی و تحقیق در کَشکول‌ها و مشکلات آن اشاره می‌کند و کَشکول را شبیه دفتر یادداشت و دفتر خاطرات می‌داند و می‌نویسد دارنده این کَشکول‌ها هر آنچه را برایش مهم بوده، می‌نگاشته است، و می‌افزاید برخی از این کَشکول‌ها به‌صورت تذکره نظیر تذکره حمیدی، تذکره ابن‌مکتوم و تذکره صفدی به دست ما رسیده است. نویسنده باور دارد که اصل واژه «کَشکول» فارسی است و به انبان بیضوی شکلی گفته می‌شود که از مواد معدنی و یا چوب ساخته می‌شد و نوع مرغوب آن از درخت گردوی هندی بوده که در اویش حمل می‌کرده‌اند.

نویسنده به مشکلات متعدد فهرست‌نویسان در چند صفحه اشاره می‌کند و در این زمینه اگرچه ظاهراً چیزی را از قلم نمی‌اندازد، اما کفایت مطلب ادانمی‌گردد.

## علم نسخه‌شناسی اسلامی

قاسم السامرائی، علم الاکتناه العربی الاسلامی. ریاض: مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، ۱۴۲۲/۲۰۰۱، ۵۶۲ ص.

ردمک ۶-۷۴-۷۲۶-۹۹۶۰

کتاب الاکتناه از آنجاکه حاصل‌گذران عمری تتبع مؤلف در نسخه‌شناسی عربی است، حاوی نکات بسیار ارزشمندی است که نویسنده درباره پیدایی خط عربی آورده و این خط را تحول یافته از خط نبطی دانسته است. نبطی‌ها جانشینان قوم ثمود بودند و در مناطق آنان سکنی داشتند و خط خود را از آرامی‌ها و فنیقی‌ها آموخته بودند، اهل حیره این خط را از مردم انبار آموختند، و این هر دو قوم در سیطره نفوذ ایرانیان و دولت ساسانی بودند، سرانجام اهل حجاز در مراودات خود با اهالی این مناطق خط مزبور را از اهالی حیره و انبار آموختند. نویسنده مبحثی را به تاریخ و تمدن نبطی‌ها اختصاص داده است و می‌گوید حساب جمل و حروف اجدی را نیز عرب‌ها از این خط عاریه گرفتند، دکتر سامرائی در این باره ما را به کتاب سلیمان بن عبدالرحمن الذییب ارجاع می‌دهد که در آن ۹۰ تصویر از کتیبه‌های نبطی و آرامی به کوشش کتابخانه ملی ملک فهد منتشر شده است. نویسنده باور دارد که با مقایسه دقیق این کتیبه‌ها و حروف به کار رفته در آنها با خط عربی سه قرن نخست هجری ثابت می‌شود که خط عربی در شکل حروف اختلاف ریشه‌ای با خط نبطی ندارد. نویسنده پس از بیان نکاتی درباره خط عربی به مباحث مربوط به تحقیق در نسخ خطی می‌پردازد و به‌صورت تجربی و موردی ما را با خط‌های پژوهشگران در این قبیل نسخه‌ها آشنا می‌کند و دلایلی را از جمله سودجویی، سهل‌انگاری، عدم تخصص و پشتوانه علمی برای تصحیح

نویسنده کتاب، دکتر قاسم سامرائی، از فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض است که در کتابخانه و بخش اطلاع‌رسانی دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است. وی اهتمام ویژه‌ای به کهن خط‌شناسی و پژوهش در نسخه‌های خطی عربی دارد و در این زمینه علاوه بر تخصص و دانش گسترده، در برخی دانشگاه‌ها و مراکز نسخه‌شناسی نظیر دانشگاه لیدن تدریس و سخنرانی کرده است.

نام این کتاب گویا از ابداعات مؤلف باشد، او می‌نویسد «علم اکتناه» شامل دو علم کهن خط‌شناسی (Palaeography) و نسخه‌شناسی (Codicology) است. نویسنده معتقد است این دو اصطلاح از یکدیگر جدا نیستند و هر پژوهشگر و فهرست‌نگاری باید از سیر تحول خطوط عربی، صنعت کاغذ، شیشه، الیاف، مس، آهن، چوب، و همچنین ساخت قلم، مرکب، رنگ، صحافی و تجلید، تذهیب و زرکوبی و نظایر آن در سراسر سرزمین‌های اسلامی مطلع باشد.

شاید به همین خاطر است که کتاب الاکتناه با موضوعات بسیاری که در هر دو رشته مورد توجه قرار گرفته است، به دلیل گستردگی و تنوع بیش از اندازه هر یک از موضوعات، موفق به ادای حق مطلب در بسیاری از مباحث نگردیده است.

نویسنده در این کتاب کوشیده است تجربیات خود را در چهل و یک مبحث کوتاه گردآوری کند، اما کتاب از فصل‌بندی شایسته‌ای برخوردار نیست.

<sup>1</sup> Aramic and Nabataen Inscription from North West Saudi Arabia. Riyadh, 1414/ 1993.

نویسنده علاقه‌مند است بدانند حروف تعقیبه (رکابه، پاورق) که به منزله نشانه‌های اختصاری برای انتهای سطور و صفحه‌بندی مهم بوده‌اند از چه زمانی معمول شده است، او در این مورد به یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی که بر ورق نگاشته شده، به عنوان آداب الفلاسفه، اثر حنین بن اسحاق (د. ۲۶۰ ق) اشاره می‌کند که در دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود. او می‌گوید «تعقیبه‌ها» بعدها به صورت شماره‌گذاری صفحات در آمده‌اند.

نویسنده سپس به برخی علائم اختصاری در زبان عربی اشاره می‌کند و معتقد است تجلید و صحافی از همان ابتدا در تاریخ اسلام معمول بوده و کراسه‌ها (جزوبندی) بهتر از لفافه (طومارنویسی) تشخیص داده شده است، قرآن نیز از همان ابتدا به صورت مصحف بوده است، نه لفافه.

سپس به صنعت کاغذ اشاره می‌کند و صفحاتی را به کاغذ و استنساخ اختصاص می‌دهد، و انواع کاغذها را به تفصیل برمی‌شمارد. او در این زمینه به تحقیق استاد ایرج افشار درباره به‌کارگیری کاغذ در نسخه‌های خطی اسلامی که در دومین همایش «مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی» در لندن در سال ۱۹۹۳ منتشر شده اشاره می‌کند، گویا صنعت کاغذسازی در ایران از رونق و شکوفایی بیشتری نسبت به سایر مناطق در جهان اسلام برخوردار بوده است. نویسنده همچنین به هنر خوش‌نویسی، زرکوبی و تذهیب و نظایر آن نیز اشاراتی دارد و معتقد است که این هنرها از قرن هفتم هجری به بعد تحت تأثیر اروپاییان رواج یافته است. وی در پایان کتاب مطالبی را هم به تزویرشناسی و جعل در نسخه‌های خطی اختصاص می‌دهد.

در ضمایم کتاب نیز مجموعه‌ای از تصاویر نسخه‌های خطی و همچنین خطوط عربی و نبطی و نیز نمونه‌هایی از تزویر در خط کوفی قدیم ارائه شده است. در مجموع کتاب الاکتناه از آن جهت که دستاورد تجربیات یکی از فهرست‌نگاران و نسخه‌شناسان جهان اسلام است اهمیت قابل توجهی دارد، اما تلاش نویسنده برای پرداختن به دو علم خط‌شناسی و نسخه‌شناسی تحت یک عنوان و به صورتی گذرا و بدون پشتوانه‌های نظری از ژرفایی کتاب کاسته است.

مطالعه کتاب الاکتناه می‌تواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان به تصحیح نسخه‌های خطی و همچنین استادانی که مایل‌اند از تجربه عملی یک پژوهشگر جهان عرب در پرداختن به نسخه‌های خطی مطلع شوند، مفید باشد.

**دکتر شهریار نیازی**

دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات

